

دیدگاه

سفرهایی با کیفیت صفر

زهرة قلیچی: سفر همیشه جذاب است، هیجان دارد و گویی که قرار است تغییری بزرگ در حال و احوال ایجاد کند، شعفی فراوان پیش از انجام با خود همراه دارد. این قاعده سفر است که بدون هیچ توضیح اضافی بیشتر مردمانی که آن را تجربه کرده‌اند، با این برداشت از آن همراه می‌شوند. شاید به همین دلیل است که گاه سفر ایرانیان بیش از هر زمان دیگر در بحبوحه سال نو است. سفر قرار است در حال و احوال مسافر تغییر ایجاد کند. قرار است احوال مسافر را از آنچه هست به حالی بهتر تغییر دهد. یعنی درست مطابق است با اینکه لحظه تحویل سال، دعا می‌کنیم که «حول حالنا الی احسن الحال»! سفر قرار است بخشی از این تحول احوال باشد.

مردمان مسافر با همین خیال بار و بنه مهیا می‌کنند و از موقعیت اکنون خود به سویی که پیش‌تر برای آن برنامه ریخته‌اند، راهی می‌شوند. راهی می‌شوند تا حالی خوش در نخستین روزهای سال نصیب‌شان شود و برای روزهای پیش‌روی خود مفهوم تولید کنند. مفهومی که اهل فلسفه، بار سفر می‌کنند و می‌گویند: «سفر مرحله‌ای از خود به‌درشدن است، برای یافتن من گسترده‌تر، به هر بیان و با هر انگیزه. به هنگام سفر، خود را آماده رویاروی با دیگری می‌کنیم، از امن و امان خانه درمی‌گذریم و حاضریم برای دستیابی به مقصد سفر، ناهمواری‌های راه را پذیرا باشیم».

این تعارفات گاه غیرمعمول درباره سفر را که کنار بگذاریم، واقعیت اما چیز دیگری است و روی دیگری هم دارد. سفر در معنا و مفهوم قرار است چنین کند و چنان شود، اما در عالم واقع، وقتی مسافر مبدأ را به مقصد می‌دوزد، در طول این دودخت و دوز گاهی تلخکامی گریانش را می‌گیرد. چه آنکه در همین ایام مطابق اعلام رئیس پلیس راهور فراجا، تعداد درخور توجهی از هم‌وطنانمان در تصادفات جاده‌ای جان خود را از دست داده‌اند. سردار سیدتیمور حسینی دیروز آخرین وضعیت جان‌باختگان سوانح رانندگی در طول طرح نوروزی ۱۴۰۳ را اعلام کرد و گفت: بنا بر آمار به‌دست‌آمده از ۲۴ اسفند تا امروز ۱۵ فروردین، ۸۱۳ نفر از هم‌وطنان جان خود را از دست داده‌اند.

اینها بخشی از واقعیت سفر در این سرزمین است که مطابق نظر کارشناسان یا ریشه در کیفیت بد جاده‌ها دارد یا در «ناخ»بودن خودروهای ساخت داخل که قرار است مانند بچه‌ای نازپروده تا ابد از آن حمایت شود و مثل اربابه مرگ همچنان جان مردم را بستانند. مرگ افزونی فرااستاندارد آن در این یوم از ویژگی‌های سفر سال نو در این مُلک است که هر سال به تکرار باید به آن نظاره کرد و بر جان‌های رفته برخی از هم‌وطنان در آغاز سال نو که قرار بوده با شادی همراه باشد، افسوس خورد. افسوسی که می‌شد اگر کیفیت جاده‌ها استاندارد بود یا کیفیت خودروها (مطابق نظر کارشناسان امر) مناسب، هر سال راه گلوی بخشی از خانواده‌های ایرانی را نفرشارد.

آمارهای دل‌خوش‌کنک

سفر چیز خوبی است. بار بستن و به سوی مقصدی رفتن همان هیجانانگاری را دارد که تقریباً عموم مردم آن را در تجربیات خود ثبت کرده‌اند. سفر اما این روزها به یک فیگور برای مسئولان هم تبدیل شده است. بسیاری از آنها وقتی در قامت گزارشگر اوضاع سفرهای نوروزی می‌ایستند، با لیخندی حاکی از رضایت، وفور سفر را اعلام می‌کنند و گاه آن را به‌عنوان شاهد اوضاع پسمان اقتصادی معرفی می‌کنند. همین سال پیش بود یا کمی قبل‌تر که سخنگوی دولت از وضع خوب اقتصادی مردم در دولت محرومان خبر داد و وقتی از او سئند خواستند، به جاده‌های شلوغ شمال اشاره کرد!



حالا هم با پایات تعطیلات نوروزی، مسئولان ردیف شده‌اند و یکی‌یکی لیخنند تحویل مردم می‌دهند با این معنا که «ببینید جقدر وضعتان خوب است که همه به سفر می‌روید!» همین چند روز پیش بود که فرماندار گناوه با اشاره به ورود یک میلیون و ۲۰۰ نفر مسافر نوروزی به این شهرستان گفت: تاکنون ۱۲ برابر جمعیت، مسافر و گردشگر وارد گناوه شده است.

ادریس راموز، قائم‌مقام ستاد اجرایی خدمات سفر قشم نیز دیروز گفت: یک میلیون و ۴۷۳ هزار گردشگر نوروزی از ابتدای تعطیلات پایان سال (۲۵ اسفند ۱۴۰۲ تا سیزدهمین روز فروردین جاری) در سه مسیر دریایی، هوایی و زمینی این جزیره تردد کردند. روح‌الله وانشاد، سرپرست معاونت گردشگری و مسئول دبیرخانه ستاد اجرایی خدمات سفر استان فارس نیز با افتخار اعلام کرد: در ایام نوروز امسال بیش از ۲۰ میلیون تردد در فارس و بیش از ۱۰ میلیون بازدید نوروزی از اماکن مذهبی، تاریخی و طبیعی این استان ثبت شده است.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین حجت گنابادی‌نژاد، جانشین رئیس ستاد اجرایی خدمات سفر خراسان رضوی هم با اشاره به موج سوم سفر به مشهد از ورود بیش از ۱۰میلیون و ۴۱۸ هزار مسافر به استان و مشهد خبر داد و گفت: از ۱۵ اسفند ۱۴۰۲ لغایت ۱۴ فروردین جاری مجموعاً ۱۰میلیون و ۴۱۸هزارو ۳۱۵ نفر به خراسان رضوی و مشهد سفر کرده‌اند. اینها بخشی از آمار و ارقامی است که مسئولان با وجد در اختیار مردم قرار می‌دهند، اما به گمان هیچ‌کدام از آنها ندیدند که در کمپ مسافران نوروزی جنب میدان شهید سلیمانی قشم چگونه مردم ردیف به ردیف چادر زده بودند و «سفر کمین» را به تجربه روزها می‌آزمودند. هیچ‌کدام از آنها ندیدند که وقتی باد توی چادرهای مردمان ناتوان از پرداخت هزینه اسکان (که مجبور به اسکان در چادر شده بودند) می‌پیچد و بنیان آرامش آنها را بر موج عصیبت سوار می‌کند، دیگر آن سفر بی‌معنا می‌شود.

مسئولان از سفر حرف می‌زنند، اما ما از «کیفیت سفر» حرف می‌زنیم. کیفیت سفرهایی که نزدیک به صفر است و به دلیل شرایط بد اقتصادی، روز به روز در حال افزایش است، یکی از آنها در پاسخ به این سؤال که مگر مجبورید در این شرایط به سفر بیایید، می‌گفت: آمدیم تا هم آب‌وهوا عوض کنیم و خستگی یک سال را از تن بزداییم، هم بچه‌ها بهانه‌ای نداشته باشند و هم هزینه نوروز کاهش پیدا کند!



عکس: محسنی/پژوهشگران

گزارشی از صحنه‌گردانی سوداگران در اوج‌گیری قیمت‌ها

گرانی بزرگ می‌شود

حمیدر ضاعظمی
موج از سمت جنوب بلند شده و خودش را محکم به دیواره اسکله می‌کوباند و صدایش توی هوا می‌پیچد. دریا خشمگین است و گویا خیال آرام‌شدن ندارد. صدایی مللاً آرام‌بخش از بلندگوی اسکله اعلام می‌کند: به دلیل بدی آب و هوا و شرایطی جوی تردد شناورها در دریا ممنوع است. این جملات را بارها و بارها شنیده‌ام. توی اسکله شهید ذاکری هم. اینجا دریا که آرامشش را از دست بدهد، اوضاع به هم می‌ریزد. همه چیز به آرامش دریا ربط دارد حتی معیشت مردمان ساحل‌نشین. یاد حرف حسین راغفر

یک خاطره تلخ

فضای مجازی، فضای برهنه‌ای است. همه چیز را روی دایره می‌ریزد و توی چشم مخاطبان خود فرو می‌کند. در میان تمام زرق و برق‌های فضای مجازی گاه پشت سر هم تصاویری از زباله‌گردهایی می‌بینید که تا کمر داخل سطل زباله فرو رفته‌اند و معیشت خود را از میان زباله‌ها فراهم می‌کنند و در مواجهه با آن هم یک دوچین کلپ می‌بینید که نشان می‌دهد همین زباله‌گردی در هر ماه بیش از حقوق کارگری درآمد دارد و وضع زباله‌گردها خیلی هم بد نیست. دست‌کم از کارگرانی که در بخش‌های مختلف مشغولند و چشم به حقوق پایان ماه دارند، بهتر است.

اینجا همه جای خود. اما در طی این سال‌ها هنوز کلپ یک‌ی، دو دقیقه‌ای چند سال پیش آن پیرمرد صیاد در جزیره هرمز که زیر آفتاب نشسته بود در ذهن مانده است. پیرمرد سیه‌چرده نشسته بود و داشت به سؤالاتی پاسخ می‌داد تا رسید به آنجا که از او پرسیده شد: زندگی چطور است و او با لیخندی تلخ جواب داد: «زندگی خوبه. می‌گذره بالاخره کم، زیاد! یک روز هست، یک روز نیست. چیزایی که آرزو داریم بهش نمی‌رسیم. چیزی که می‌خوایم بخوریم، نمی‌تونیم بخوریم؛ توانایی‌شو نداریم بریم بگیریم بخوریم. من چند سال گوشت نخوردم؟ خودم هم نمی‌دونم. گوشت گاو اینجا آوردن هرمز، کیلویی ۱۳۰ هزار تومن. گوشت گاو! من با این دو کیلو ماهی که سرتا پاش ۵۰ تومن هم نمی‌شه ۱۳۰ هزار تومن می‌تونم برم گوشت بگیرم؟ اونم گوشت گاو؟ نمی‌تونم بخرم نمی‌تونم». کلپ، با آن آهنگ غمزده همراه می‌شود وقتی سخنان پیرمرد تمام می‌شود، انگار دنیا روی سرت خراب شده و همین‌طور مبهوت می‌مانی.

اینم روزها این را زیاد می‌شنویم. اینکه مردمانی در گوشه و کنار این سرزمین هستند که نمی‌توانند حتی وعده‌ای گوشت بخورند. اینکه هم‌اش سیاه‌نمایی است یا نه، شاید باشد اما مخاطبان این روایات در اطراف خود آدم‌هایی را می‌بینند که وضعی چندان بهتر از این وضع ندارند. گرانی این روزها روی سر مردم هوار شده و دارد آسمان را پیش چشم آنها تیره می‌کند. فقر دامنه‌اش را گسترده است و هر چند یاد خاطره آن پیرمرد صیاد توی ذهن می‌چرخد اما به نظر می‌رسد دست‌کم با توجه به روایاتی که در سطح جامعه دیده می‌شود این وضع روز به روز بدتر شود به‌ویژه اینکه در اقتصاد نیم‌بند ایرانی همه چیز به قیمت دلار آویزان مانده و با تکان آن، همه چیز تکان می‌خورد.

حسین راغفر هم این موضوع را تأیید می‌کند. او که با «شرق» به گفت‌وگو نشسته بود می‌گفت: ریشه این گرانی تورم است و تورم محصول کسری بودجه دولت است. در اقتصاد ایران نظام مالیاتی، بانکی در خدمت تولید نیست و هرچند در این کشور از تولید زیاد حرف زده می‌شود اما ما عملاً در این کشور تولید نداریم. آنچه وجود دارد عملاً فروش منابع طبیعی است. او در پاسخ به این سؤال که چرا اقتصاد کشور این‌گونه است که نمی‌توان به راحتی جلوی تورم و گرانی را گرفت، گفت: اقتصاد ما توان تولید شغل ندارد و عملاً نمی‌تواند ارزش‌افزوده حاصل از تلاش نیروی کار ایجاد کند. در اقتصاد ما حاکمیت سرمایه وجود دارد و این سرمایه بیشتر به سمت اقتصاد واسطه‌گری و دلالتی است؛ به همین دلیل بیش از هر چیز اقتصاد مالی در کشور ما رواج دارد. او افزود: در چنین اقتصادی تولید تعطیل است و هجوم به سمت امور غیرمولد و فروش منابع در مقیاس جمعیت حدود ۹۰ میلیون نفری، دلیل اصلی تورم است.

راغفر گرانی را حاصل از چنین رویکردی در اقتصاد می‌داند. او می‌گفت: ریشه مشکلات ما در اقتصاد، نوسان شدید قیمت دلار است که دولت‌ها برای جبران کسری بودجه خودشان، در این امر دخالت داشته‌اند و هزینه آن طی این سال‌ها همیشه از جیب مردم پرداخت شده است. تبعات طبیعی چنین اقدامی که حاصل از گرانی خودخواسته قیمت ارز بوده، جهش‌های بی‌دربی قیمت ارز و سقوط ارزش پول ملی است. اینها همه هزینه زندگی را افزایش می‌دهد و گرانی را در کشور تداوم می‌بخشد. به عقیده این استاد دانشگاه افزایش روزافزون مخارج دولت، از سویی و تضعیف اقتصاد تولیدی و صنعتی کشور از سوی دیگر که وابستگی اقتصادی به منابع و ذخایر طبیعی را تداوم بخشیده، از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر گرانی هستند که به پیامدهای آسیب‌زایی مانند تورم، رکود، بی‌کاری، فقر، فساد و... دامن زده و اکثریت مردم را تحت فشار بی‌سابقه و کمرشکن قرار داده است. در نقطه مقابل، نهاده‌ا و گروه‌هایی اقلیت اما قدرتمند و ذی‌نفوذ از جهش‌های ارزی و پیامدهای آن بر اقتصاد کشور، سود کلان مستقیم و غیرمستقیمی کسب کرده‌اند و در مواردی با هدف افزایش چنین سود نامشروعی، در شکل‌گیری و تداوم گرانی اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم داشته‌اند. تا زمانی که چنین بازیگران مخربی، نقش‌آفرین اصلی و تعیین‌کننده ساختار اقتصادی و بازار از ایران باشند، قیمت ارزهای معتبر و به‌ویژه دلار افزایش خواهد داشت و گرانی همچنان ادامه خواهد یافت.

تماشاگران این خوانیم

آنچه بیشتر کارشناسان می‌گویند با آنچه اهالی دولت می‌گویند کمی متناقض به نظر می‌رسد. رئیس‌جمهوری در پیام نوروزی خود گفته است: سه سال متوالی است که کشور، رشد‌های بالای چهار درصد را تجربه می‌کند و این در حالی است که میانگین رشد اقتصادی در دهه ۹۰ کمتر از یک درصد بوده است. برخی مدعی بودند که تورم سر‌رقمی در راه است، اما آمار نشان می‌دهد که تورم نقطه به نقطه، از حدود ۵۵ درصد به ۳۵ درصد رسیده و تورم کل، چیزی حدود ۴۰ درصد خواهد بود. علاوه بر رئیسی محمدرضا فرزین رئیس‌کل بانک مرکزی نیز در پیام نوروزی خود اعلام کرد: تورم نقطه به نقطه در سال ۱۴۰۲ نسبت به انتهای سال ۱۴۰۱ کاهش ۲۳.۷ درصدی پیدا کرد. اینها بخشی از آماری است که اهالی دولت ارائه داده‌اند. مردم اصاً مانند آن پیرمرد صیاد می‌گویند: زندگی خوبه. می‌گذره بالاخره! کم، زیاد! یک روز هست، یک روز نیست. چیزایی که آرزو داریم بهش نمی‌رسیم.

نیروی کار اما تماشاگر این وضعیت است و هیچ کاری از دستش برنمی‌آید. حسین راغفر هم درباره این وضع می‌گفت: در چنین شرایطی انگیزه نیروی کار از بین می‌رود به این دلیل که مزد او به اندازه کفاف رشد نمی‌کند و به این بهانه که تورم‌زاست، سرکوب می‌شود. اما هزینه‌ها همچنان افزایش می‌یابد. این می‌شود که برخی حاضر می‌شوند سر در سطل زباله کنند و با بازیافت امور خود را بگذرانند. چرا؟ به این دلیل که درآمد آن بیشتر از حقوق کارگران است.

به قول راغفر فضای اقتصادی این روزهای ایران طوری است که روز به روز به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی اقتصاد دلالتی رونق بیشتری پیدا می‌کند و محصول آن نیز افزایش دوباره هزینه‌های زندگی است؛ زیرا اتفاقی که این دسته از فعالیث‌ها برای بخشی از مردم رقم می‌زند

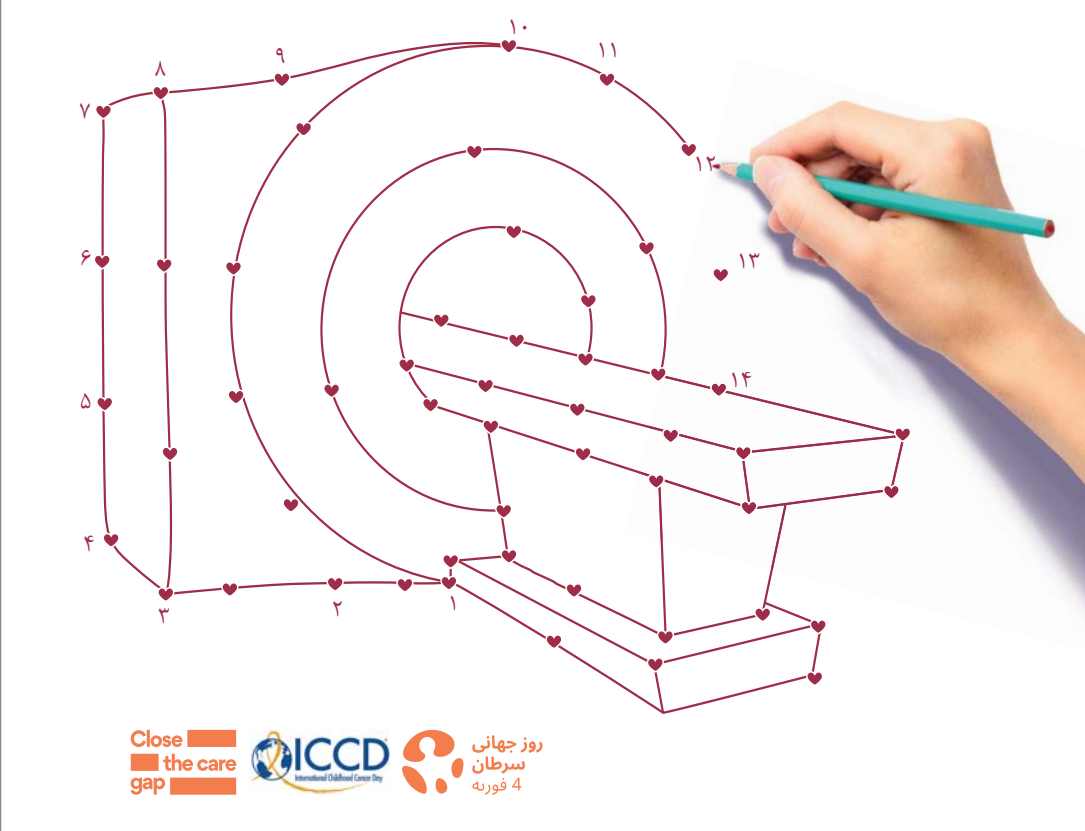
می‌اقتم که می‌گفت: جامعه از دست گرانی‌های رایج در اقتصاد، مثل دریای ملامطم شده است و اگر تدبیری اندیشیده نشود معلوم نیست در اوضاعی که لاجرم برای پیشگیری از برخی موضوعات با انسداد نسبی روبه‌رو می‌شود، قابل مدیریت باشد یا نه. آنچه راغفر می‌گفت ربط مستقیم به تورمی دارد که مسئولان مدعی اند روز به روز در حال کاهش است و مردم در متن جامعه طور دیگران را احساس می‌کنند. گرانی حالا به جان مردم افتاده و گویا از دست مجریان اقتصادی هم کار چندانی برنمی‌آید هر چند در گزارش‌هایی که داده می‌شود دائم بر بهبودی اوضاع تأکید می‌شود.

این است که درآمد‌های بزرگی را برای گروه کوچکی فراهم می‌کنند و به جای عرضه تقاضا را افزایش می‌دهد و اقتصاد را به سوی زمینه‌های غیرمولد مانند سوداگری زمین و خرید و فروش ارز و خودرو و... می‌برد و چون عرضه این اقلام کم است و تقاضا زیاد شده است قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند و فعالیت‌های سوداگری هزینه‌های زندگی عموم مردم را افزایش می‌دهد، به این دلیل که موجب خلق ارزش‌افزوده از طریق کار و سرمایه‌ صنعتی نمی‌شود، بلکه برخی با خرید و فروش مالی به سودهای کلان دست می‌یابند و دیگران را هم ترغیب می‌کنند تا با فعالیت در زمینه تجارت زمین و مسکن‌های لوکس یا سکه و طلا و ارز یا بازارهای نامولد کسب درآمد کنند. بنابراین یک گروه صاحب درآمد‌های بسیار کلان در این فضا می‌شوند. هرچند این افراد به نسبت اعضای جامعه درصد بسیار کوچکی هستند، اما صاحبان ثروت‌های بزرگ بادآورده‌ای می‌شوند که ثروتمندشدن‌های آنها موجب افزایش نابرابری اجتماعی و فاصله طبقاتی می‌شود و هزینه‌های زندگی مردم را به‌شدت بالا می‌برد. محاصل فعالیت‌های سوداگرانه خود را در بازارهای مختلف به شکل تورم بزرگی نشان می‌دهد؛ چراکه عمدتاً خلق ثروتی از راه فعالیت مولد صورت نگرفته، بلکه با جابه‌جایی دارایی از یک دست به دست دیگر، عملاً درآمد‌های کلان افزایش یافته است. وقتی تورم بالا می‌رود به تبع آن هزینه‌های زندگی اقشار مختلف جامعه بالا می‌رود، لذا از این طریق روز به روز فشار بیشتری به گروه‌های کم‌درآمد و دهک‌های پایین درآمدی وارد می‌شود که زندگی و معیشت آنها را به‌شدت دچار آسیب می‌کند و منجر به ایجاد اختلال شدیدی در زندگی و سلامت تغذیه‌ای و روان آنها می‌شود.

گزارش

کار گِل در بوستان و کارگران ساختمانی در قانون

شرق: در جامعه کارگری، کار کارگران صنعت ساختمان شاید در ردیف دوم مشاغل سخت باشد. شغلی سخت که حتی در ادبیات ایران هم از آن یاد می‌شود و «کار گِل» را به سختی مثال می‌زنند. سعدی در بوستان آورده است: دگر ره نیازارش سخت دل/ چو یاد آیدم سختی کار گِل. یا در گلستان آورده است: در خندق طرابلس با جهودانم به کار گِل بداشتند. حالا با گذشت آن ایام در قدیم، در روزهایی که خود را در قواره نوین هم جای داده، باید اثبات کرد که کار ساختمانی یا همان کار گِل، کاری سخت است و باید از برخی مزایای قانونی برخوردار باشد. ایسن را رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی گرگان به‌تازگی درخواست کرده و گفته است: کارگران ساختمانی سراسر کشور باید مشمول مشاغل سخت و زیان‌آور و بازنشستگی پیش از موعد باشند. جواد کمیزی که با ایلنا به گفت‌وگو نشسته بود، مسئله بیمه کارگران ساختمانی را نگران‌کننده توصیف کرد و گفت: با شرایط فعلی امیدی نداریم که کارگرانی که یکی از سخت‌ترین مشاغل دنیا را بر عهده دارند، بتوانند از بیمه حداقلی تأمین اجتماعی و حمایت‌های آن بهره‌مند شوند. به گفته او، ساخت‌وساز ساختمان در حالی یکی از پول‌سازترین و پردرآمدترین مشاغل محسوب می‌شود که کارگرانی که آن را می‌سازند، هیچ سهمی از این درآمد ندارند و جزء محروم‌ترین اقشار به حساب می‌آیند. او ادامه داد: کارگران ساختمانی از دولت و مجلس تقاضا دارند ضمن مطالبه حق بیمه، شغل کارگر ساختمانی را مشمول مشاغل سخت و زیان‌آور و بازنشستگی پیش از موعد قرار بدهند. یک کارگر ساختمانی نسبت به دیگر کارگرها به درمان بیشتری احتیاج دارد، چون در معرض کار و فشار زیادی قرار دارد.



Close the care gap



روز جهانی سرطان 4 فوریه



محک

مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org



آسان پرداخت

ASAN PARDAKHT

گزینه نیکوکاری اپلیکیشن آپ



فاصله را شما پر کنید!

در تأمین ۱۵۰ میلیارد تومان هزینه‌ی خرید

دو دستگاه رادیوترایی مشارکت کنیم